

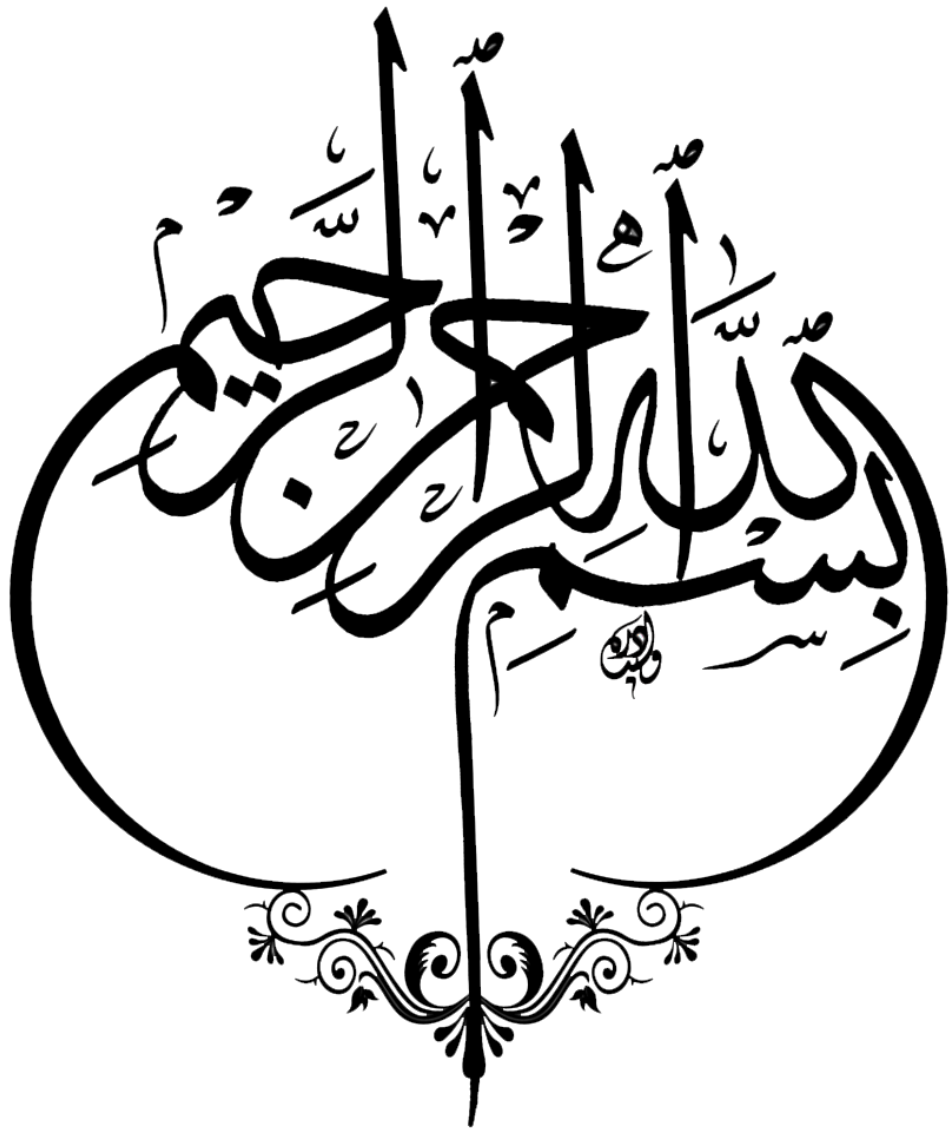


گاهنامه دیده‌بان (پایش و پوش مطالعات دفاعی – امنیت محیط بین‌الملل) سال سوم، شماره مسلسل ۱۱، تابستان ۱۴۰۱

- ظرفیت‌های دفاعی اوکراین
- تضعیف غرب توسط بایدن در بحران اوکراین
- عبرت‌ها و درس‌های تحولات اوکراین برای آمریکا در سوریه
- چگونه اوکراین را برای شکستن محاصره دریای سیاه تجهیز کنیم؟
- تأثیرات جنگ اوکراین بر روابط کشورهای حوزه اقیانوس منجمد شمالی



- ✓ What kind of resistance can Ukraine mount?
- ✓ Biden's badgering of allies weakens the West's ability to take on Putin
- ✓ Reimagining Syria: rebuild the north now
- ✓ How to Equip Ukraine to Break the Black Sea Blockade
- ✓ Putin's Actions in Ukraine Are Spilling North



گاهنامه دیده‌بان

(پایش و پوش مطالعات دفاعی – امنیتی محیط بین‌الملل)



معاونت اطلاعات ارتش جمهوری اسلامی ایران
مرکز مطالعات و پژوهش‌های اطلاعاتی



معاونت اطلاعات ارتش جمهوری اسلامی ایران
مرکز مطالعات و پژوهش‌های اطلاعاتی

گاهنامه دیده‌بان (پایش و پویش مطالعات دفاعی - امنیتی محیط بین‌الملل)

صاحب امتیاز: مرکز مطالعات و پژوهش‌های اطلاعاتی معاونت اطلاعات آجا

گردآوری و تدوین: گروه پژوهشگران

سر دبیر: دکتر عباس جعفری‌نیا

مدیر مسئول: دکتر جهانگیر شریعت

ناظر علمی: دکتر ذکریا کاظم‌پور

مدیر اجرایی: فرزاد محمدی

ویراستار: میلاد حرمتی

شماره نشریه: ۱۱

شمارگان: محدود

* محتوای مطرح شده در این گزارش، صرفاً جهت تحلیل و بررسی دیدگاه اندیشکده‌های خارجی

بوده و ادعاها و القائات احتمالی این مطالب مورد تأیید گاهنامه دیده‌بان نمی‌باشد.

* کلیه حقوق این اثر متعلق به معاونت اطلاعات ارتش ج.ا.ایران می‌باشد.

* هرگونه تکثیر و کپی منوط به کسب اجازه رسمی است.

Email: motaaleat@chmail.ir

تلفن و نمابر: ۰۲۱-۲۲۴۵۵۹۰۱

فهرست مطالب

موضوع	صفحه
ظرفیت‌های دفاعی اوکراین.....	۱
تضعیف غرب توسط بایدن در بحران اوکراین.....	۵
عبرت‌ها و درس‌های تحولات اوکراین برای آمریکا در سوریه.....	۷
چگونه اوکراین را برای شکستن محاصره دریای سیاه تجهیز کنیم؟.....	۱۱
تأثیرات جنگ اوکراین بر روابط کشورهای حوزه اقیانوس منجمد شمالی.....	۱۴

Subject	Pages
What kind of resistance can Ukraine mount	1
Biden's badgering of allies weakens the west' ability to take on Putin.....	5
Reimagining Syria: rebuild the north now?.....	7
How to Equip Ukraine to Break the Black Sea Blockade	11
Putin's actions in Ukraine Are spilling North.....	14

مقدمه

شرق اوکراین از گذشته‌ها به ویژه از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تشکیل کشور مستقل اوکراین منشاء اختلاف‌ها و حتی جنگ‌هایی بوده است. از همان سال‌های ابتدایی دهه ۱۹۹۰ بحث و تنش بر سر خودمختاری منطقه دونباس به ویژه بخش‌هایی از دو استان لوهانسک و دونتسک به دلیل نرخ بالای روس تبارها در این مناطق مطرح بود اما این موضوع هیچگاه به صورت ریشه‌ای حل و فصل نشد. در چند سال گذشته یک‌بار تنش در سال ۲۰۱۴ بر سر این مناطق بالا گرفت و سرانجام به الحاق کریمه به روسیه منتهی شد و پس از آن مجموعه نشست‌های مینسک توانست تاحدودی آرامش را بازگرداند اما ریشه بحران حل نشده باقی ماند. از چهار ماه پیش نیز یورش نیروهای نظامی روسیه به شرق اوکراین بار دیگر چالش بر سر وضعیت سرزمینی شرق اوکراین را برجسته ساخت اما این بار حمایت کشورهای غربی از کی‌یف و حمله نظامی روسیه در کنار گمانه‌زنی در زمینه گسترش منازعه به دیگر کشورها و مطرح شدن استفاده از تسلیحات هسته‌ای، لزوم حل و فصل بحران، یکبار برای همیشه را ضروری ساخته است. جنگ اوکراین در دنیای امروز حقیقتاً برای بسیاری پدیده‌ای غافلگیرکننده بود. پدیده‌ای که به گواهی بسیاری از کارشناسان بعد از جنگ دوم جهانی تأثیرگذارترین واقعه بر مناسبات جهانی بوده و معادلات زیادی را بین دولت‌ها تغییر داده است. حمله روسیه به اوکراین و عبرت‌های به وجود آمده از این تجاوز باید اساساً طرز فکر ما را در مورد مسائل منطقه تغییر دهد. راه دشوار اوکراین جهت مغلوب نشدن در مقابل روسیه، باید‌ها و نبایدها و نحوه تأثیرگذاری طرف‌های خارجی مسائلی هستند که در این شماره بیشتر مورد توجه قرار گرفته است؛ علاوه بر موارد مرتبط با جنگ روسیه و اوکراین تأثیرات این بحران در مسائل بین‌المللی نیز بررسی شده است. اقدامات دولت ایالات متحده و مسائل مرتبط با عربستان سعودی، ترکیه، لهستان که عملاً باعث سوق دادن این متحدان به سمت محور چین-روسیه شده است.

ظرفیت‌های دفاعی اوکراین^۱

مقدمه

در گزارشی که از موسسه رند منتشر شده، به ظرفیت‌های محدود دفاعی اوکراین در مقابل روسیه پرداخته شده است. در این گزارش راه دشوار اوکراین جهت مغلوب نشدن در مقابل روسیه، باید‌ها و نبایدها و نحوه تأثیرگذاری طرف‌های خارجی بیان شده است.

تحلیل

فرماندهان نیروهای مسلح اوکراین و تحلیلگران غربی اذعان دارند که با توجه به تفاوت‌های عمده در توانایی‌ها، عملیات بیش از ۱۹۰۰۰۰ کارکنان نظامی و امنیت داخلی روسیه که در اطراف و در بخش‌هایی از اوکراین مستقر بودند، دفاع متعارف این کشور را تحت تأثیر قرار دادند. رئیس‌جمهور ولادیمیر زلنسکی دستور بسیج عمومی را صادر کرده بود و اوکراینی‌ها نیز درگیر جنگ‌های نامنظم و آماده شدن برای مقاومت طولانی هستند.

اگرچه نیروهای مسلح اوکراین با حدود ۲۰۹۰۰۰ کارکنان وظیفه فعال، به دلیل تجربیات درگیری‌های در حدود سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۵، از آموزش، تجربه و تسلیحات بهتر در نبرد با نیروهای روسی برخوردارند، اما در عین حال به شدت در موضع ضعف نیز می‌باشند. در حال حاضر اوکراین نیروهای ذخیره خود را با چند صد هزار پرسنل افزایش داده است که بسیاری از آن‌ها اخیراً خدمت نظامی خود را به اتمام رسانده‌اند. رئیس‌جمهور زلنسکی در ۲۲ فوریه نیروهای ذخیره را برای تقویت سریع واحدهای رزمی و پشتیبانی اقدامات تدافعی منطقه‌ای فراخواند.

با این وجود، روسیه اگر تلاش کند می‌تواند با سرعت بخش عظیمی از شرق این کشور را طی یک اقدام نظامی گسترده تصرف کند اما این اقدام بسیار دشوار و پرهزینه خواهد بود. عناصر نیروهای مردمی می‌توانند از بخش‌های اشغال نشده از خاک اوکراین دفاع کنند و با سایر نیروهای نظامی و داوطلبان برای ترتیب دادن شورش‌ها در مناطق تحت کنترل روسیه همکاری کنند.

مقاومت مسلحانه در برابر یک قدرت اشغالگر برای اوکراین تازگی ندارد. در طول جنگ جهانی دوم و پس از آن، اوکراینی‌ها در برابر نیروهای نازی و بعدها شوروی مقاومت کرده‌اند. به‌طور مثال یگان‌های داوطلب مردمی در پاسخ به بحران نظامی در شرق اوکراین در سال ۲۰۱۴ مؤثر واقع شدند. این در حالی است که قانون ایجاد استراتژی مقاومت ملی اوکراین در ژانویه ۲۰۲۲ لازم‌الاجرا گردید. با توجه به حملات روسیه، زمان کمی برای اجرای برنامه‌های جامع مقاومت که قانون پیش‌بینی کرده بود، وجود داشت. قانون جدید به فرمانده نیروهای مسلح این اختیار را می‌دهد که دفاع ارضی را از طریق فرمانده نیروهای دفاع سرزمینی یا TDF^۲ و جنبش مقاومت را از طریق فرمانده نیروهای عملیات ویژه مدیریت کند.

۱. منتشر شده در وبسایت defencenews.com به نقل از موسسه Rand

وظیفه نیروهای دفاع سرزمینی، تامین و حفاظت از جمعیت و زیرساخت‌ها، کمک به حفظ نظم مدنی، پشتیبانی از عملیات نیروهای مسلح و کمک به تشکیل مراکز مقاومت در صورت اشغال می‌باشد. نیروهای دفاع سرزمینی چنانچه به‌طور رسمی و کامل تأسیس گردند، می‌توانند ۲۵ تیپ پیاده سبک با بیش از ۱۵۰ گردان به ظرفیت رزمی اوکراین اضافه نمایند. هسته اصلی این نیرو متشکل از ۱۰۰۰۰ سرباز وظیفه فعال برنامه‌ریزی شده است که پس از بسیج کامل به ۱۳۰۰۰۰ نفر نیز افزایش خواهد یافت. بخش اعظم این نیرو متشکل از تشکیلات داوطلبانه غیرنظامیان، به‌ویژه آن‌هایی که دارای تجربه نظامی یا انتظامی و مایل به مشارکت در دفاع مسلحانه از کشور خود بدون پیوستن به نیروی نظامی تمام‌وقت می‌باشند. با توجه به شرایط فوق، زلنسکی اخیراً دستور تمرینات نظامی برای این داوطلبان را صادر کرده است.

حدود ۴۰۰۰۰ پرسنل اوکراینی در عملیات نظامی علیه جدایی‌طلبان در شرق اوکراین خدمت کرده‌اند. کسانی که در حال حاضر در خدمت نیستند و به جوامع خود بازگشته‌اند؛ مجموعه‌ای از جنگجویان باتجربه را ارائه می‌دهند که می‌توانند طیف وسیعی از مقاومت‌ها و تلاش‌های جنگی غیرمتعارف را پشتیبانی کنند. پارلمان اوکراین به نیروهای داوطلب شبه‌نظامی حق استفاده از سلاح‌های سبک نظامی و سلاح‌های شکاری شخصی را صادر کرده است. در حال حاضر تمرکز فوری بر ایجاد واحدهای سرزمینی در مناطق مرزی با روسیه و بلاروس می‌باشد. با این حال، برای دستیابی نیروهای دفاع سرزمینی به قابلیت عملیاتی کامل، احتمالاً زمان زیادی نیاز باشد.

یکی دیگر از نیروهایی که در تلاش‌های متعارف و مقاومت درگیر است، گارد ملی اوکراین است. گارد ملی اوکراین (NGU)^۱ در شرایط کنونی با استعداد ۶۰۰۰ نفر ایجاد شده است. وظیفه این نیرو، حفاظت از تمامیت قانون اساسی و ارضی کشور و حفظ نظم و امنیت عمومی است. یکی از اهداف دیگر آن بهبود هماهنگی و کنترل دولتی واحدهای شبه‌نظامی داوطلب در شرق اوکراین بوده است. همچنین گردان‌های پیاده‌نظام زرهی، مکانیزه و سبک که با تسلیحات و آموزش‌های بهینه‌شده تقویت شده‌اند، می‌توانند جزء عناصر توانمند مقاومت مسلحانه برای اوکراین به حساب آیند.

از سال ۲۰۱۵، ایالات متحده و سایر نظامیان غربی نیروهای مختلف اوکراینی را در مرکز آموزش رزمی یاووریف در غرب اوکراین آموزش می‌دادند. باگذشت زمان، این برنامه از آموزش مستقیم واحدهای گارد ملی به آموزش مربیان اوکراینی برای آموزش نیروهای عادی ارتش، نیروهای عملیات ویژه، گارد ملی و واحدهای پیاده نیروی دریایی با هدف ارتقای قابلیت‌های دفاع از خود و آمادگی توسعه بلندمدت نیروهای اوکراین تبدیل شد. هم‌اکنون مربیان آموزشی ایالات متحده و سایر کشورهای غربی از یاووریف خارج شده و در سایر نقاط اروپا مستقر شده‌اند.

رئیس‌جمهور اوکراین از شروع بحران، اقدام به فراخوان بسیج عمومی نموده است. اینکه چه تعداد از شهروندان اوکراینی در یک اشغال گسترده، در دفاع یا شرکت در عملیات و یا در اقدامات حمایتی شرکت کرده‌اند، مشخص نیست. اگرچه تقریباً یک‌سوم از شرکت‌کنندگان در یک نظرسنجی گفته‌اند که می‌توانند در مقاومت مسلحانه شرکت کنند.

1. National Guard of Ukraine

نظرسنجی‌ها فقط یک تصویر لحظه‌ای از زمان را نشان می‌دهند و ممکن است در برابر ادامه جنگ دوام نیاورند. با این حال، آن‌ها و گزارش‌های مربوط به بسیج نیروها می‌تواند نشانگر تعداد اوکراینی‌هایی باشد که ممکن است به مقاومت بپیوندند. توسعه قابلیت مقاومت و مبارزه واقعی ممکن است شامل انواع خطرات و الزامات باشد، مانند نیاز به اطمینان از بررسی دقیق پرسنل برای جلوگیری از تهدیدات و حوادث داخلی، نیاز به حفظ حمایت مردمی و نیاز به برنامه‌های آموزشی و تمرینی مداوم برای نیروهای داوطلب.

مقاومت مسلحانه ممکن است خطرات بیشتری را در طول جنگ ایجاد کند، مانند: ۱) افزایش تلاش‌های روسیه برای نفوذ به ساختارهای نظامی اوکراین ۲) عملیات خرابکارانه ۳) اقدامات تلافی‌جویانه دشمن علیه غیرنظامیان یا حداقل حامیان غیرنظامی نیروهای مسلح. در همین حال، وجود گروه‌های مقاومت متعدد ممکن است باعث ایجاد ناهماهنگی بیشتر گردد و حتی توانایی برقراری ارتباط تحت تأثیرات جنگ الکترونیک را هم کم کند. ممکن است این امر، سطح سردرگمی میدان نبرد را افزایش دهد و توانایی اوکراین برای دستیابی به هدف استراتژیک کلی خود را نیز مختل کند. دولت اوکراین اقداماتی را برای بهبود کنترل خود بر گروه‌های شبه‌نظامی داوطلب با ادغام آن‌ها در سازمان‌های دولتی انجام داده است، مشخص نیست که این تلاش‌ها تا چه حد موفق بوده‌اند. برخی از گروه‌ها قبلاً در معرض جنجال‌هایی بوده‌اند و گزارش‌هایی مبنی بر عدم کنترل مقامات اوکراینی، انضباط ضعیف، افراط‌گرایی سیاسی و حتی نقض حقوق بشر داشتند. به عنوان مثال، کنگره ایالات متحده در سال ۲۰۱۸ کمک‌های آمریکا به گردان آزوف را به دلیل اتحادهای ملی‌گرای راست افراطی این گروه ممنوع کرد.

در مجموع، مقاومت مسلحانه اوکراین احتمالاً در یک محیط پیچیده و پویا با عملیات چندین نیروی نظامی و شبه‌نظامی گسترش خواهد یافت. اگرچه جنگ چندین ماه است که آغاز شده است اما اوکراین باید سرمایه‌گذاری‌های بیشتری را در آماده‌سازی و آموزش غیرنظامیان، چه به عنوان نیروهای فراخوان شده و چه به عنوان اعضای نیروهای داوطلب، انجام دهد تا در ادامه یک کارزار مقاومت فراگیر را به راه بیندازد.

تحقیقات قبلی اندیشکده رند در مورد جنبه‌های تاریخی مقاومت مسلحانه به این نتیجه رسیده که در مجموع، چنین تلاش‌هایی شانس محدودی برای تحمیل هزینه‌های تعیین‌کننده بر یک اشغالگر خواهد داشت، به‌ویژه اگر متجاوز متعهد به پیروزی کامل باشد. تحقیقات ما نشان می‌دهد که حمایت نظامی و سیاسی خارجی، یا فقدان آن، می‌تواند تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر نتیجه درگیری داشته باشد.

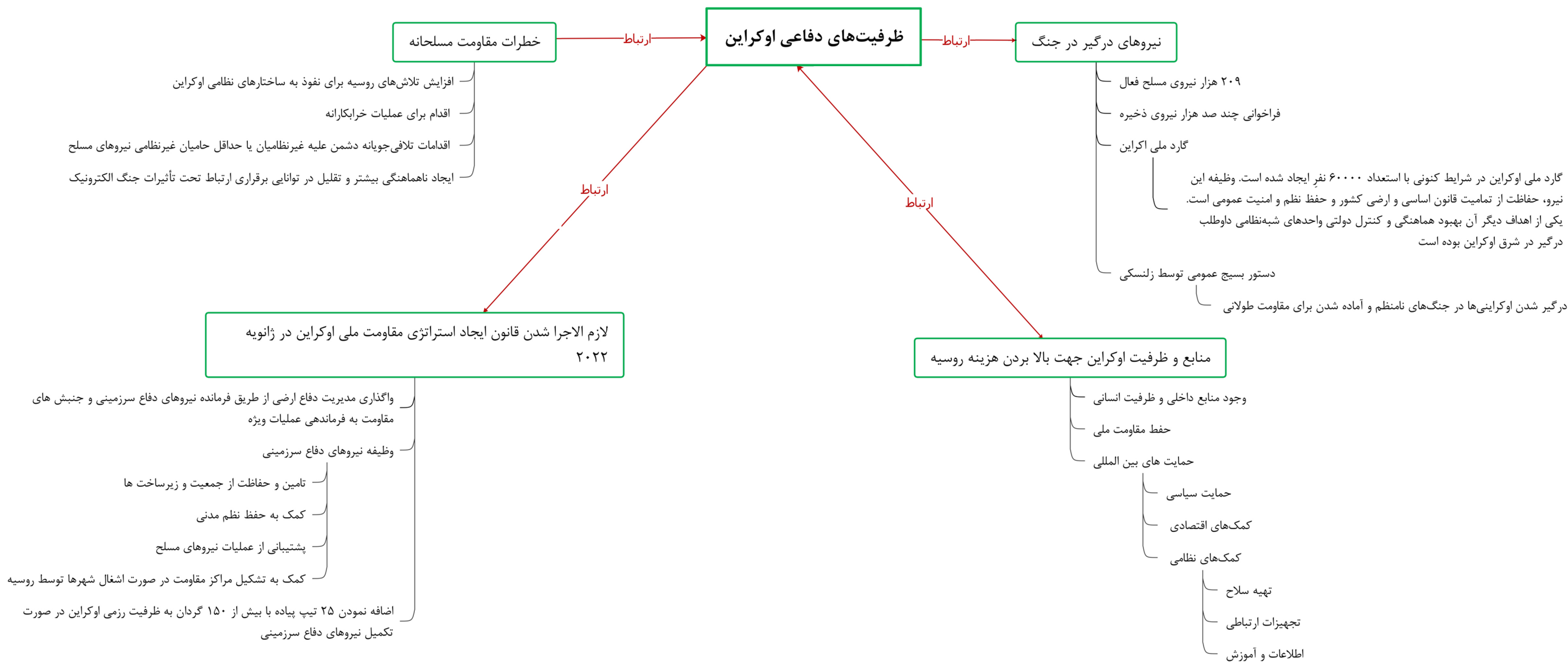
اوکراین منابع داخلی و ظرفیت انسانی قابل توجهی برای افزایش هزینه‌های اشغال روسیه دارد، حفظ مقاومت ملی تقریباً به حمایت بین‌المللی قابل توجهی نیاز دارد. این می‌تواند شامل حمایت سیاسی، کمک‌های اقتصادی و کمک‌های نظامی در قالب تهیه سلاح، تجهیزات ارتباطی، اطلاعات و آموزش باشد.

جمع‌بندی

با توجه به وضعیت دو کشور درگیر جنگ و هزینه و فایده موجود برای روسیه، کشور اوکراین برای ادامه و فراگیری مقاومت، نیاز به هماهنگی کامل و مدیریت قوی نیروهای داخلی و کمک‌های بی‌دریغ خارجی دارد و فقط در صورت وجود این عوامل احتمال پیروزی یا لااقل پرهیز از شکست کامل در آینده قابل پیش‌بینی است.



مرکز مطالعات و پژوهش‌های اطلاعاتی معاونت اطلاعات آجا



تضعیف غرب توسط بایدن در بحران اوکراین^۱

مقدمه

این گزارش به برخی از اقدامات بایدن در حوزه روابط بین‌الملل می‌پردازد که به باور نویسنده نسنجیده و برخلاف منافع آمریکاست. مسائلی مرتبط با عربستان سعودی، ترکیه، لهستان و ونزوئلا که عملاً باعث سوق دادن این متحدان دیرین به سمت محور چین-روسیه شده‌اند. در گزارش زیر به تفصیل و با ذکر مصادیق به کیفیت سیاست بین‌المللی دولت بایدن با تأکید بر روابط وی با متحدان و نقاط ضعف آن پرداخته شده است. رفتار این دولت با ترکیه و لهستان در مورد جنگ اوکراین مورد انتقاد قرار گرفته و تعامل ضعیف آن با دولت‌های غرب آسیا، به‌طور خاص حوزه خلیج فارس مورد بررسی واقع شده و در مورد عواقب این نوع عملکرد نکاتی بیان گردیده است.

تحلیل

بایدن برای فرار از شکست خود در ایجاد بازدارندگی مقابل ولادیمیر پوتین از حمله به اوکراین، ائتلاف ایجاد شده ضد روسی توسط خود را به‌عنوان یک پیروزی دیپلماسی تحسین کرده است. او در سخنرانی خود در روز ۱ مارس گفت: "ما به‌طور گسترده و با دقت آماده شدیم. ما ماه‌ها وقت صرف کردیم تا ائتلافی از دیگر کشورهای آزادیخواه از اروپا و آمریکا گرفته تا آسیا و آفریقا برای مقابله با پوتین ایجاد کنیم."

با توجه به شرایط منطقه و اتفاقات رخ داده در حوزه بین‌الملل، جهان شاهد از دست رفتن سه مهره کلیدی در ائتلاف ضد روسی شامل؛ عربستان سعودی، لهستان و ترکیه بوده است. متأسفانه، رفتار دولت بایدن با متحدان اصلی خود تاکنون توانایی کشورهای غربی را برای مقابله با پوتین را تضعیف کرده است.

بایدن از اولین روزهای ریاست جمهوری خود از اعراب خلیج فارس دوری کرده و به حمایت آمریکا از جنگ تحت رهبری عربستان سعودی در یمن پایان داد. او عنوان تروریستی حوثی‌های یمن را برداشت و این گروه را برای عملیات‌های بیشتر موشکی به امارات متحده عربی تحریک نمود. بایدن همچنین روابط شخصی خود را با محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی که در مبارزات انتخاباتی او را "منفور" خوانده بود، متوقف کرد. پس از روی کار آمدن، تیم بایدن یک پرونده اطلاعاتی منتشر شد که ولیعهد را مسئول قتل جمال خاشقجی روزنامه‌نگار می‌دانست.

در مصاحبه‌های اخیر، "بن سلمان" پاسخ داد که چنین خصومتی فقط به آمریکا آسیب می‌رساند. او درباره رئیس‌جمهور آمریکا گفت: "وظیفه بایدن این است که به منافع آمریکا فکر کند." زمانی که جنگ پوتین در اوکراین، بایدن را مجبور به جستجوی منابع جایگزین نفت کرد، نه بن سلمان و نه رهبر امارات به تماس‌های او پاسخ ندادند. رئیس‌جمهور بایدن به‌جای آرام کردن خاندان آل سعود، به سراغ حکومت‌های ضدآمریکایی مانند ونزوئلا و ایران برای تامین منابع نفتی خود رفته است. مصرف‌کنندگان واقعی آمریکایی هزینه بالایی برای این سیاست‌ها در داخل کشور برای بنزین و سایر محصولات مرتبط می‌پردازند.

داستان مشابهی نیز اخیراً در مورد لهستان به‌وقوع پیوسته است. در سال گذشته، تیم بایدن، دولت لهستان را به خاطر محافظه‌کاری بیش از حدش طرد می‌کرد اما پس از حمله پوتین به اوکراین، لهستان به محور لجستیکی ناتو تبدیل شد.

۱. منتشر شده در نشریه The Hill آمریکا

امروزه، نه‌تنها حمایت سیاسی و بشردوستانه به کیف ارائه می‌دهد، بلکه به‌عنوان محل انتقال کالاهای نظامی نیز عمل می‌کند، لذا از هر نظر، این کشور مستحق حمایت کامل آمریکا بوده و می‌باشد.

با این حال در هفته‌های گذشته دولت بایدن، اعتماد ورشو به واشنگتن را تضعیف کرد. ایالات‌متحده حمایت خود را از انتقال جت‌های جنگنده میگ ۲۹ لهستانی به اوکراین پس گرفت. ورشو به دنبال این بود که نه فقط خود بلکه ناتو را مسئول این انتقال نشان دهد. این واقعیت که ایالات‌متحده در برابر این شرط کوتاه آمد نشان می‌دهد که لهستان، اگر به‌طور یکجانبه پیش می‌رفت، به‌تنهایی با هرگونه اقدام تلافی‌جویانه روسیه مواجه می‌شد. در آینده، متحدان احتمالاً قبل از هرگونه ترتیب اثری به درخواست‌های آمریکا به عواقب آن خوب فکر خواهند کرد.

اگر لهستان محور ارضی ناتو محسوب گردد، بنابراین ترکیه نیز لنگر دریای سیاه آن محسوب می‌شود. در این مورد نیز، بایدن اولین سال ریاست خود را به تنزل سطح روابط گذراند. پس از انتقاد از رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه به‌عنوان یک "حاکم مستبد"، بایدن بیش از سه ماه به‌عنوان رئیس‌جمهور تماس با وی را معطل کرد و نهایتاً به این منظور با وی تماس گرفت که تصریح کند ادعاهای تاریخی ارمنستان در مورد نسل‌کشی را به رسمیت می‌شناسد.

از زمانی که پهنادهای عرضه‌شده توسط ترکیه خسارات سنگینی به روسیه در اوکراین وارد کرده‌اند، ایالات‌متحده تحریم‌ها را بر منطقه‌ای از سوریه که تحت سلطه شاخه‌ای از حزب کارگران کردستان بود لغو کرد. در صورتیکه این امر توسط وزارت امور خارجه ایالات‌متحده انجام شده و آن‌ها را یک سازمان تروریستی تلقی کرده بودند و در جنگ با دولت ترکیه قرار داشتند.

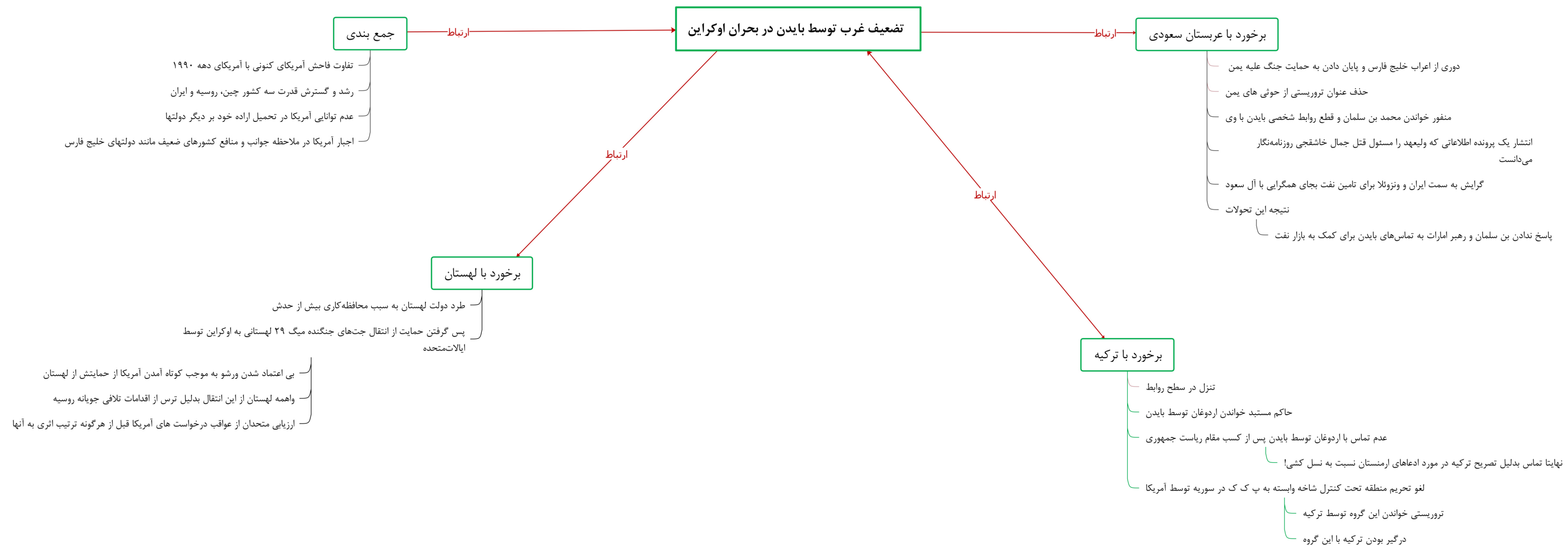
دولت بایدن در حال تدبیر سیاست برای جهانی است که دیگر برای منافع آمریکا وجود ندارد. دورانی که ایالات‌متحده می‌توانست در یک لحظه به متحدان خود امر و نهی کند و لحظه‌ای دیگر از آن‌ها تقاضای همکاری کند به پایان رسیده است. محور جدید چین و روسیه برای به چالش کشیدن ایالات‌متحده شکل گرفته است. رفتار تحقیرآمیز با متحدان تنها آن‌ها را تشویق می‌کند که در زمانی که آمریکا کمترین تاب‌آوری را دارد، پشتش را خالی کنند. به‌طور کلی عملکرد بایدن با لفاظی‌های او مطابقت ندارد و خلاف واقع می‌باشد.

جمع‌بندی

وضعیت فعلی آمریکا با دوران اوج قدرتش در اوایل دهه نود میلادی تفاوت‌های فاحشی پیدا کرده است. کشوری که زمانی ابرقدرت بلامنازع دنیا بود اکنون در اثر رشد قدرت سه محور چین، روسیه و ایران نه‌تنها توان تحمیل اراده خود به آن‌ها را ندارد بلکه در تعامل با کشورهای ضعیف و وابسته‌ای مانند کشورهای عربی خلیج فارس، مجبور به ملاحظه جوانب و منافع دیگران شده است. این وضعیت الزام توجه به پیچیدگی‌های روابط بین‌الملل برای کشور ج.ا.ایران را دوچندان می‌کند.



مرکز مطالعات و پژوهش‌های اطلاعاتی معاونت اطلاعات آجا



عبرت‌ها و درس‌های تحولات اوکراین در مواجهه با سوریه برای آمریکا^۱

مقدمه

حمله روسیه به اوکراین و عبرت‌های به‌وجود آمده از این تجاوز باید اساساً طرز فکر ما را در مورد مسائل منطقه از جمله سوریه و آینده آن تغییر دهد. قبل از ۲۴ فوریه، تفکر غالب در میان سیاست‌گذاران غربی، از جمله مقامات دولت ایالات متحده این بود که سوریه را با توجه به ماهیت پیچیده سیاسی و نظامی، اولویتی متوسط ارزیابی می‌کردند. از آنجایی که این کشور اساساً به سه منطقه نفوذ بین روس‌ها، ترک‌ها و آمریکایی‌ها تقسیم شده بود، آن‌ها گمان می‌کردند که صرف سرمایه‌گذاری سیاسی برای ادامه درگیری‌ها سود چندانی ندارد و ارتباط با روسیه برای هرگونه ابتکار دیپلماتیک به‌منظور حفظ دسترسی بشردوستانه از طریق شمال این کشور ضروری تلقی می‌شد. ایالات متحده فعالیت‌های نظامی خود را با روسیه از طریق "کانال خلع درگیری" هماهنگ می‌کرد تا از رویارویی مستقیم جلوگیری کند. حتی تلاش‌هایی برای میانجی‌گری بین نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF^۲) مورد حمایت آمریکا و حکومت سوریه با ضمانت‌های روس‌ها به‌عنوان ابزاری برای بیرون کشیدن ایالات متحده از این کشور انجام شد.

به‌نوبه خود، کشورهای عربی که زمانی، بشار اسد را به دلیل بحران‌های این کشور او بایکوت کرده بودند، به فکر بازسازی اعتبار اسد و پذیرش مجدد سوریه در اتحادیه عرب افتادند. ملک عبدالله پس از بازگشایی مرز اردن با سوریه برای اولین بار در یک دهه گذشته با اسد صحبت کرد. تعدادی دیگر از کشورها، از جمله امارات، سفیران خود را به دمشق بازگرداندند. در ۱۸ مارس، اسد در اولین دیدار خود از یک کشور عربی از زمان آغاز قیام سوریه در سال ۲۰۱۱، به امارات سفر کرد و با شیخ محمد بن راشد آل مکتوم، نخست‌وزیر امارات و حاکم دبی دیدار کرد.

تحلیل

تهاجم روسیه به اوکراین و واکنش‌های متعاقب به این تهاجم برای منزوی کردن و مجازات روسیه و رئیس‌جمهور این کشور، تعاملات معمول ایالات متحده با روسیه در سوریه را بسیار مشکل‌ساز کرده‌است. انجام این کار باعث کاهش انسجام سیاست‌ها و سردرگمی شرکا و متحدان شده‌است. حفظ وابستگی ایالات متحده به حسن نیت روسیه در جبهه‌های دیپلماتیک، بشردوستانه و ضد تروریسم، به پوتین این امکان را می‌دهد که بتواند از این وابستگی برای تضعیف تلاش‌ها برای منزوی کردن روسیه استفاده کند.

امروز، دو متحد ناتو، ایالات متحده و ترکیه، از ائتلاف‌های مسلح سوری مخالف دولت بشار اسد حمایت می‌کنند که مجموعاً ۳۰ درصد سوریه را زیر سیطره خود دارند. مهم‌تر از آن، نیروهای ایالات متحده و ترکیه در این مناطق از ۷ میلیون سوری محافظت می‌کنند. این واقعیت لزوماً آن چیزی نبود که این کشورها برای ۱۰ سال پس از شروع انقلاب پیش‌بینی کرده بودند، اما فعلاً که اوضاع از این قرار است. در شمال شرق، چند صد سرباز آمریکایی به نیروهای

۱. منتشر شده در مؤسسه آمریکایی Middle east institute در تاریخ March 21, 2022

2. Syrian Democratic Forces

دموکراتیک سوریه و اداره خودمختار شمال و شرق سوریه امکان حکومت می‌دهند. باوجود تمام نواقص این حکومت، میلیون‌ها سوری که در آنجا زندگی می‌کنند آن را به "گولاگ"^۱ اسد ترجیح می‌دهند. این ردپای نسبتاً کوچک، قدرت قابل اعتمادی را ایجاد کرده است که از ساکنان مرز سوریه و عراق تا کرانه‌های شرقی رود فرات محافظت می‌کند. در شمال و شمال غرب، بیش از ۱۰۰۰۰ سرباز ترکیه توافق آتش‌بس بین پوتین و رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه را تقویت کردند و تا حد زیادی رژیم و اکثر هواپیماهای روسیه را از آسیب رساندن به بیش از ۴ میلیون نفر دور نگه داشتند. اداره محلی در این مناطق به اصطلاح "آزادشده" با ایجاد زیرساخت‌های پیچیده‌تر برای حکومت محلی توسط نیروهای دمکرات سوریه (SDF) برقرار شده است.

اما مشکلاتی جدی گریبان گیر هر یک از این مناطق شده‌است. آنکارا بخش کردی SDF (نیروهای دمکرات سوریه)، معروف به یگان‌های حفاظت از خلق (YPG) را به‌عنوان امتداد سوری دشمن دیرینه خود، حزب کارگران کردستان (PKK) می‌بیند و متعهد شده است که به هژمونی آن‌ها بر این مناطق پایان دهد.

مناطق تحت حمایت ترکیه به‌نوبه خود با مشکلاتی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. گروه مسلح محلی غالب در ادلب، که محل سکونت ۳ میلیون نفر است، جناح اسلام‌گرای «هیئت تحریر الشام» که قبلاً وابسته به القاعده بود، در سال‌های اخیر روابط خود را با جهادی‌های بین‌المللی قطع کرد، افراطی‌ترین چهره‌های خود را بیرون رانده است و سلاح‌های خود را علیه داعش و هسته‌های القاعده نشانه گرفته و به آتش‌بس ترکیه و روسیه پایبند بوده است. بااین‌حال این گروه در سطح بین‌المللی به‌عنوان یک سازمان تروریستی معرفی می‌شود و رفتار مستبدانه نیروهایش تلاش‌های رهبری آن را برای نشان دادن این گروه به‌عنوان یک بازیگر اصلاح‌شده و مسئول از بین برده‌است. در همین حال، هماهنگی کمی بین کارگزاران قدرتمندی که سایر مناطق تحت حفاظت ترکیه را کنترل می‌کنند، وجود دارد.

این چالش‌ها قابل‌توجه هستند اما غلبه بر آن‌ها غیرممکن نیست. بحران اوکراین، واشنگتن و اروپایی‌ها را به آنکارا نزدیک‌تر کرده است، زیرا آن‌ها با بزرگ‌ترین تهدید امنیتی اروپا از زمان جنگ جهانی دوم دست‌وپنجه نرم می‌کنند. برای غلبه بر اختلافات در شمال سوریه، ایالات متحده، ترکیه و متحدان کلیدی باید یک برنامه هماهنگ برای گسترش امنیت، حکومت و حمایت اقتصادی و درعین‌حال کاهش تنش - و درنهایت امکان همکاری - بین مناطق تحت حمایت ایالات متحده و ترکیه ایجاد کنند. در سال‌های اولیه انقلاب سوریه، جوامع محلی به‌تنهایی پا به عرصه وجود گذاشتند و شهرها و شهرک‌ها را به‌طور مستقل اداره می‌کردند، اما ابزاری برای محافظت از خود در برابر بمب‌ها و موشک‌های اسد و پوتین نداشتند. این به‌طور قابل پیش‌بینی تلاش‌های آن‌ها را تضعیف کرد و به تخریب و آوارگی وحشتناک منجر شد. اکنون، فرصت نادری برای استفاده از آتش‌بس واقعی که در حال حاضر در شمال در جریان است و کمک به جوامع محلی برای ایجاد انعطاف‌پذیری وجود دارد که نه تنها به ساکنان فعلی اجازه زنده ماندن می‌دهد، بلکه شاید انگیزه‌های کافی برای بازگشت برخی از پناهندگان را فراهم کند.

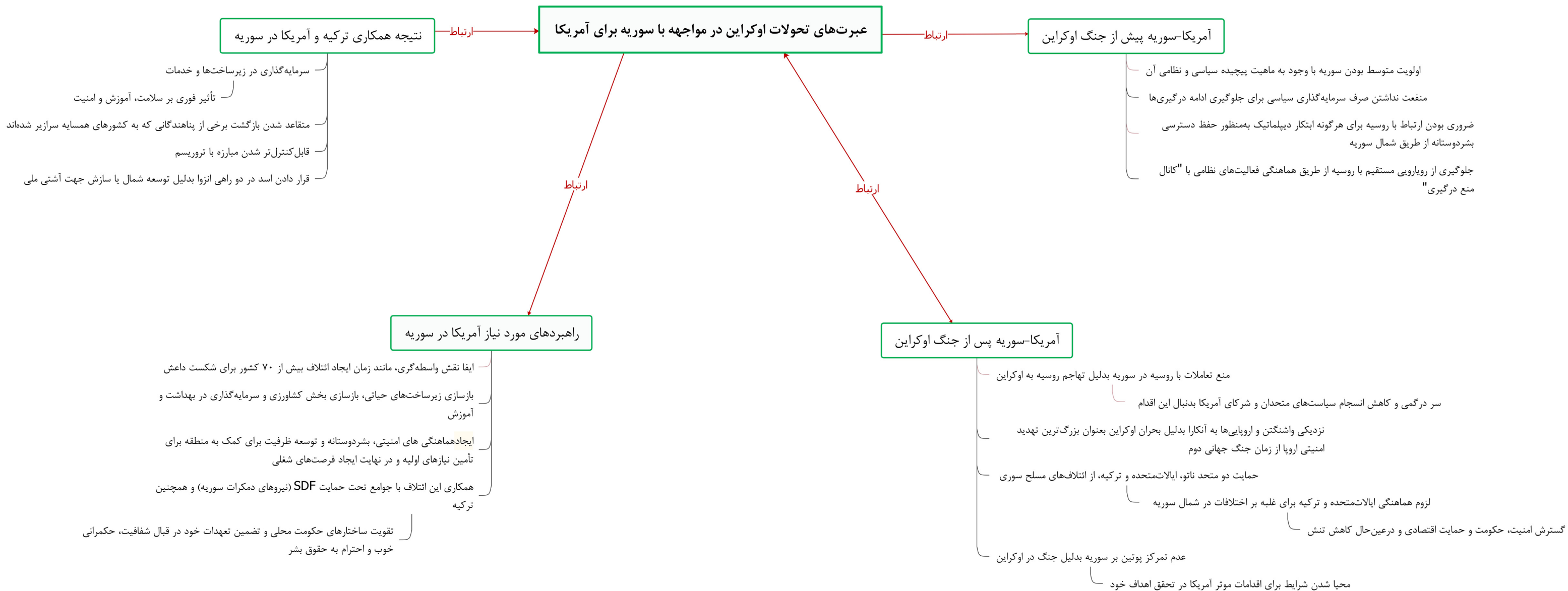
۱. گولاگ (Gulag): اداره کل اردوگاه‌های کار اجباری؛ نام نهادی بود که اردوگاه‌های کار اجباری در نواحی دورافتاده اتحاد جماهیر شوروی از قبیل مناطق سردسیر سیبری و ... را در زمان حکومت ژوزف استالین اداره می‌کرد. در متن حاضر از این اصطلاح برای تشبیه‌سازی اردوگاه‌ها و زندان‌های سوریه در دوران بشار اسد به گولاگ دوران استالین استفاده شده است.

به‌نوبه خود، ایالات‌متحده لزوماً نیازی به افزایش چشمگیر تعهدات نظامی یا کمکی خود ندارد، اگرچه حتی افزایش‌های جزئی موقعیت ایالات متحده جوامعی را که به حمایت آن وابسته هستند، بیشتر تقویت می‌کند. نقش مهم‌تری که ایالات‌متحده باید در نظر بگیرد، نقش واسطه‌گری است، شبیه به نقشی که در زمان بسیج بیش از ۷۰ کشور برای شکست داعش ایفا کرد. اکنون، یک مأموریت جدید و امیدوارکننده‌تر برای ایجاد و حفظ جوامع با بازسازی زیرساخت‌های حیاتی، بازسازی بخش کشاورزی و سرمایه‌گذاری در بهداشت و آموزش وجود دارد. این امر مستلزم حمایت هماهنگ امنیتی، بشردوستانه و توسعه ظرفیت برای کمک به منطقه برای تأمین نیازهای اولیه و در نهایت فرصت‌های شغلی است. این ائتلاف می‌تواند با جوامع تحت حمایت SDF (نیروهای دمکرات سوریه) و همچنین ترکیه برای تقویت ساختارهای حکومت محلی و تضمین تعهدات خود در قبال شفافیت، حکمرانی خوب و احترام به حقوق بشر همکاری کند.

اگر این دو متحد ناتو چیزهایی را در شمال دریابند و شروع به همکاری کنند، می‌تواند ثروت مردم سوریه را در آن مناطق به روش‌های چشمگیری بهبود بخشد. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و خدمات، تأثیر فوری بر سلامت، آموزش و امنیت خواهد داشت. برخی از پناهندگانی که به کشورهای همسایه سرازیر شده‌اند، می‌توانند با اطمینان بیشتری متقاعد شوند که برگردند. سایر اولویت‌ها، از جمله مبارزه با تروریسم، قابل کنترل‌تر خواهند بود. در جبهه سیاسی، رژیم اسد و متحدانش باید انتخابی داشته باشند: با توسعه شمال در انزوا باقی بمانند یا سازش واقعی را در نظر بگیرند که کشور را دوباره به هم نزدیک کند. به هر حال آمریکایی‌ها باید بتوانند از بحران‌های ایجاد شده در منطقه به شکل مطلوبی استفاده کنند چرا که واکنس بی‌مورد و نابه‌جا به هر موضوعی در اوکراین می‌تواند منافع خود و هم‌پیمانانش در سوریه را دچار مشکل نماید. درگیری ذهنی و عملی پوتین در اوکراین سبب می‌شود تا تمرکز عملیاتی و سیاسی این کشور به سوریه کمتر و شرایط برای اقدامات موثر این کشور در تحقق اهداف با توجه حضور حکومت بشار اسد محیا گردد.



مرکز مطالعات و پژوهش‌های اطلاعاتی معاونت اطلاعات آجا



چگونه اوکراین را برای شکستن محاصره دریای سیاه تجهیز کنیم؟^۱

مقدمه

به‌رغم محدود شدن دامنه جنگ روسیه و اوکراین به مرزهای زمینی و دریایی دو کشور تلاش آمریکا و اروپا برای پرهیز از رویارویی مستقیم نظامی با روسیه، تأثیر جنگ نه تنها امنیت نظامی بسیاری از کشورهای اروپایی را تحت‌الشعاع قرار داده است بلکه باعث جنگ اقتصادی و ناامنی غذایی حاد، تورم قیمت سوخت، ناآرامی‌های مدنی گردید و چه‌بسا در صورت استمرار این وضعیت شاهد وقوع کودتا، انقلاب، جنگ‌های داخلی و تحریک مهاجرت دسته‌جمعی از آفریقا و خاورمیانه به اروپا خواهیم بود.

آمریکا و اروپا درصدد هستند با ارسال تجهیزات و تسلیحات نظامی تاکتیکی و عملیاتی به اوکراین، توان رویارویی این کشور با روسیه را در سطح توپخانه دوربرد، نیروی هوایی و پدافند هوایی منطقه‌ای، موشک‌های کوتاه برد، پهپادهای کوچک و نهایتاً جنگ متقارن حفظ کنند و از طرف دیگر کمک‌های تسلیحاتی به اندازه‌ای نباشد که موجب برتری نظامی اوکراین در مقابل روسیه شود به‌طوری‌که روسیه مجبور به کشاندن شعاع جنگ به اروپا گردد.

تحلیل

تجویز نسخه نظامی آمریکا و اروپا برای ارتش اوکراین در مقابله با ارتش روسیه باعث وادار نمودن دولت اوکراین به جنگ دائمی گردیده و این روش نظامی که به سبک جنگ جهانی دوم، شهرها و روستاها را یکی پس از دیگری با خاک یکسان می‌کردند، مورد استقبال ارتش روسیه گردیده است. به‌دلیل ضعف راهبرد آمریکا و اروپا در مهار درگیری، روسیه موفق گردیده است با تشدید محاصره کشتی‌های اوکراینی در دریای سیاه، حدود ۲۵ میلیون تن غلات را از سیلوهای اوکراین تصرف نماید که احتمال می‌رود یک فاجعه اقتصادی و انسانی در سطح جهان را به دنبال داشته باشد؛ از سوی دیگر اوکراین امکانات انتقال کالاها به بازارهای بین‌المللی و آزاد کردن انبار برای برداشت محصولات جدید را نداشته و ظرفیت ذخیره‌سازی آن را نیز ندارد. روسیه موفق گردیده بیشتر غلات اوکراینی را از طریق دریای سیاه به سوریه و سایر کشورها ارسال نماید که در صورت ادامه این وضعیت در سال جاری میلادی تقریباً ۴۰ میلیون نفر از جمعیت اروپا در ناامنی حاد غذایی قرار می‌گیرند.

در فاز نظامی اوکراین موفق شده است با بهره‌گیری از تجهیزات و تسلیحات ارسال شده از سوی آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی، چندین پیروزی دریایی در دریای سیاه به دست آورد و چندین شناور آبی-خاکی و کشتی روسیه را غرق کند. ارتش اوکراین با ایجاد شبکه یکپارچه نظامی علیه مواضع و نیروهای روسیه در جزیره «مار» و استفاده بهینه از شبکه‌های ماهواره‌ای استارلینک، هواپیماهای بدون سرنشین «بایراکتار تی بی ۲ ترکیه» و موشک‌های «پنتون» و «کروم» اوکراین و موشک‌های ضد کشتی «هارپون» دانمارکی، از سقوط مجدد جزیره «مار» جلوگیری نماید.

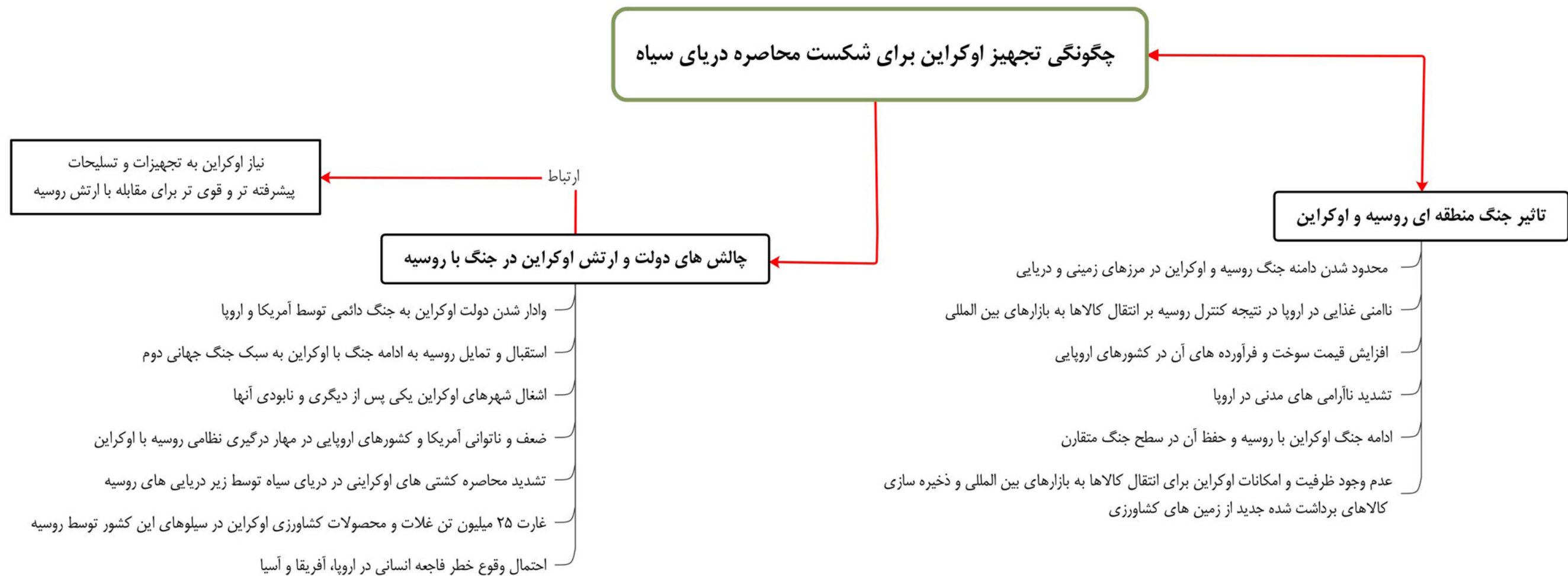
ارتش اوکراین با وجود برتری‌های نسبی تاکتیکی در جبهه دریایی برای محافظت از کشتی‌های خود در برابر ناوچه‌ها و زیردریایی‌های روسی، به سلاح‌هایی با برد طولانی‌تر نیاز دارد چراکه اسکورت کشتی‌های تجاری اوکراینی با کشتی‌های جنگی آمریکایی و ناتو با مخالفت دولت اوکراین مواجه شده است.

۱. تهیه شده توسط Bryan Clark و Peter Roug؛ انتشار در وب سایت Foreign Policy در تاریخ July 6, 2022.

اگر آمریکا کمک‌های نظامی و تجهیزاتی خود به آمریکا از جمله پهپادهای عقاب خاکستری که یک پهپاد رزمی-شناسایی، جنگ الکترونیک، سامانه اخلاص گر هواپایه با توانایی جمع‌آوری اطلاعات ۳۶۰ درجه است را افزایش دهد، ارتش اوکراین را قادر می‌سازد تهدید زیردریایی روسیه علیه کشتی‌های خود را خنثی سازد.

جمع‌بندی

۱. ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه با محاصره کردن اوکراین در دریا به‌طور چشمگیری اهرم خود را در جنگ زمینی و تصرف شهرهای اوکراین تقویت می‌کند.
۲. روسیه با استفاده از مزیت‌های قدرت آتش بسیار بالای توپخانه‌های کوتاه برد در جنگ با ارتش اوکراین حرف آخر را می‌زند.
۳. اگر آمریکا و اروپا بخواهند با محدود کردن اوکراین در جنگ منطقه‌ای از وقوع جنگ و درگیری مستقیم با روسیه پرهیز نمایند، بحران جنگ منطقه‌ای روسیه با اوکراین در مرزهای زمینی و دریایی دو کشور، بحران‌های متعدد جهانی در دیگر زمینه‌ها را سبب می‌گردد.
۴. افزایش قیمت کالاهای اساسی مانند آرد و نان، کمبود بنزین و گازوئیل در اروپا، تشدید ناآرامی‌های مدنی در سراسر جهان، تحریک مهاجرت دسته‌جمعی از آفریقا و خاورمیانه به اروپا موجب وقوع انقلاب در اروپا خواهد شد.



تأثیرات جنگ اوکراین بر روابط کشورهای حوزه اقیانوس منجمد شمالی^۱

مقدمه

جنگ اوکراین در دنیای امروز حقیقتاً برای بسیاری پدیده‌ای غافلگیرکننده بود. پدیده‌ای که به گواهی بسیاری از کارشناسان بعد از جنگ دوم جهانی تأثیرگذارترین واقعه بر مناسبات جهانی بوده و معادلات زیادی را بین دولت‌ها تغییر داده است؛ من جمله روابط میان کشورهای حوزه اقیانوس منجمد شمالی (قطب شمال) و تعامل کشورهای این حوزه با یکدیگر.

تحلیل

حمله ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه به اوکراین، انواع هنجارهای ایجادشده از زمان جنگ سرد را زیر پا گذاشته است. اکنون، تهاجم او هنجارهایی را که حتی در طول جنگ سرد مورد احترام قرار گرفته بود، از بین برد، از جمله برخی از آن‌ها که به عنوان مکانیسم‌های حیاتی برای مدیریت محدود حوزه‌های با ارزش و مورد علاقه و همکاری متقابل مانند قطب شمال، فضا، و تحقیقات علمی هستند می‌توان اشاره کرد.

در اوایل ماه جاری، هفت کشور قطب شمال - ایالات متحده، کانادا، گرینلند (دانمارک)، ایسلند، نروژ، سوئد و فنلاند - اعلام کردند که کار مشترک خود را در قطب شمال با روسیه، بزرگ‌ترین کشور منطقه، مهره اقتصادی سنگین وزن و رئیس فعلی شورای قطب شمال متوقف می‌کنند. این شدیدترین و سنگین‌ترین شکست همکاری در منطقه است که تا به حال رخ داده است. تهاجم پوتین به اوکراین و متعاقب آن فروپاشی دیپلماسی قطب شمال می‌تواند تلنگری باشد که آغاز پایان قطب شمال را رقم می‌زند؛ منطقه‌ای که تاکنون تا حد زیادی در برابر ژئوپلیتیک جهانی مصون بوده و موقعیت ممتازی که برای چندین دهه به نفع همه بازیگران قطب شمال، در سطح ملی و فراملی، موجود بوده است. این می‌تواند چندین تأثیر مهم بر منطقه داشته باشد و به طور بالقوه ایالات متحده و همچنین متحدانش را تهدید کند.

اولین تأثیر گسترش درگیری به قطب شمال خواهد بود. برای قرن‌ها، قطب شمال در صحنه جهانی نسبتاً آرام بوده است. اخیراً، این منطقه نقطه شروع تغییرات آب و هوایی بوده است. ایده "باز شدن" قطب شمال به سمت تجارت، دادوستد و استخراج بیشتر منابع تقریباً در دو دهه اخیر یا، همراه با ترس از "جنگ منابع" رایج شده است.

باین‌حال، در پی خشونت‌های مداوم در اوکراین به دست پوتین، منطقه قطب شمال می‌تواند برای اولین بار پس از وایکینگ‌ها، در مسیر ایجاد تنش قرار گرفته و به صحنه جنگ تبدیل شود. در کار اخیر خود در مورد حکمرانی قطب شمال، تعداد انگشت‌شماری از کاتالیزورهای معتبر برای درگیری در قطب شمال را می‌توان توصیف کرد.

افزایش فعالیت‌های غیرنظامی یا نظامی در منطقه می‌تواند احتمال برخورد، حادثه هسته‌ای یا سوءتفاهم را افزایش دهد که می‌تواند به سرعت تنش‌ها را بین روسیه، کشورهای غربی قطب شمال و حتی چین تشدید کند. تشدید تنش به دلیل این واقعیت است که قطب شمال برای روسیه بسیار مهم است. روسیه ممکن است هرگونه نفوذ (واقعی یا ادراکی) به مسیر دریای شمال و دریای بارتس - عملاً مرز وسیع شمالی خود - را به عنوان یک تهدید جدی ببیند.

۱. منتشر شده توسط مؤسسه Rand ایالات متحده

انحلال همکاری‌های منطقه‌ای شبکه ایمنی را که درگیری‌ها را برای مدت طولانی از قطب شمال دور نگه داشته است، از بین می‌برد. همچنین عملگرهای تاکتیکی را که مسئول تأمین امنیت مرزهای کشورهای خود در منطقه دارند، از دسترسی به مکانیسم‌های رسمی و غیررسمی برای جلوگیری از غافلگیری، پیشگیری از تنش ناخواسته و در صورت نیاز درخواست کمک ناتوان می‌کند به همکاری‌های هفت کشور غربی قطب شمال هنوز آسیبی وارد نشده است، اما جبران خلاء روسیه که کمی بیش از نیمی از خط ساحلی قطب شمال را در اختیار دارد و توانایی‌های نظامی نیرومند قطب شمال را در اختیار دارد، آسان نیست.

دومین تأثیر قابل توجه بحران کنونی، باز شدن بالقوه قطب شمال به روی چین است، تا حدی که روسیه قبلاً اجازه نداده است. شرکت‌های غربی قبلاً به شدت در بخش‌های تحت تسلط روسیه در قطب شمال مشارکت داشتند. اما از زمان الحاق غیرقانونی کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴ و حمایت از جدایی‌طلبان در مناطق دونتسک و لوهانسک اوکراین، چین به سرمایه‌گذار خارجی اصلی در عملیات استخراج گاز طبیعی مایع و نفت در مناطق تحت تسلط روسیه در قطب شمال تبدیل شده است. جنگی که در اوکراین به راه افتاده است، در حال مختل کردن اقتصاد روسیه می‌باشد.

هر دوی این پیامدهای بالقوه بحران کنونی در زمانی اتفاق می‌افتند که ایالات متحده هنوز در حال ایجاد قابلیت‌های خود در قطب شمال است که به طور مؤثرتری به چالش‌های امنیتی در منطقه رسیدگی می‌کند - اما هنوز وجود ندارند. ایالات متحده در حال حاضر توانایی محدودی برای حفظ حضور پایدار در قطب شمال دارد.

همکاری در قطب شمال می‌تواند برای جلوگیری از فاجعه در این منطقه حساس که همه کشورها در آن با محیطی چالش‌برانگیز دست‌وپنجه نرم می‌کنند، حیاتی باشد. اقدامات پوتین می‌تواند امنیت و ایمنی ۴ میلیون ساکن قطب شمال و همچنین آینده جمعی کشورهایی را که منطقه را احاطه کرده‌اند، در موقعیتی خطرناک‌تر از آنچه که منطقه تاکنون دیده است، قرار دهد.

جمع‌بندی

هرچند دولت‌های درجه دوم غربی تحت فشار ایالات متحده مجبور به موضع‌گیری علیه روسیه هستند، ظاهراً توان و نفوذ روسیه در حوزه‌های مختلف این موضع‌گیری‌ها علیه این کشور بزرگ را سخت و پرهزینه می‌کند. در صورت غلبه نهایی روسیه در جنگ اوکراین، پیش‌بینی می‌شود تمامی دولت‌های غربی اروپا به نوعی تعامل لاجرم با روسیه روی بیاورند؛ تعاملی که می‌تواند بستر کاهش نفوذ ایالات متحده در اروپا را فراهم کند.



مرکز مطالعات و پژوهش‌های اطلاعاتی معاونت اطلاعات آجا

